فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۸، صص ۲۳۴ - ۲۰۷

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۳۰۹

بررسی نقش‌های تقنینی و نظارتی مجلس شورای اسلامی ونقش آن در الگوی حکمرانی خوب

حمیدرضاداودی[۱]
دانشجوی دکتری علوم سیاسی،گرایش اندیشه سیاسی،دانشکده حقوق،الهیات وعلوم سیاسی،واحدعلوم وتحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
احمد بخشایش اردستانی[۲]
استاد دانشکده علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران(نویسنده مسئول)
اصغرعربیان[۳]
استادیار دانشکده حقوق ، الهیات و علوم سیاسی ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی ، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۷ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۹**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده
مجالس قانون‌گذاری به‌عنوان نمادِ رژیم‌های پارلمانی، از جایگاه رفیعی نزد دولت‌هایِ دموکراتیک برخوردار هستند. در همین راستا نظام حقوقیِ جمهوری‌اسلامی‌ایران (مجلس‌شورای‌اسلامی) نیز به‌عنوان رژیمی مبتنی بر نمایندگیِ اکثریت، یکی از سه قوه مؤثر در کشور به‌شمار می‌رود که متصدی سه کارکرد مهم قانون‌گذاری (اصل ۷۱ قانون اساسی)، تفسیر قوانین عادی و اِعمال نظارت بر حُسن اجرای قانون (اصول ۸۵، ۱۷۰ و ۱۳۸ قانون اساسی) می‌باشد. با عنایت به جایگاه بی‌بدیلِ مجلس‌شورای‌اسلامی، پرسشی که این پژوهش به آن می‌پردازد این است که با توجه به نقش غیرقابل انکار مجلس‌شورای‌اسلامی در اجرای صحیح حاکمیت قانون و با عنایت به صلاحیت ذاتی این نهاد مبنی بر نظارتِ تمام‌عیار نسبت به سایر نهادهای حاکمیتی، جایگاه تقنینی مجلس‌شورای‌اسلامی در اجرایِ صحیح قانون چگونه ارزیابی می‌گردد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی ـ تحلیلی و با تأسی از مؤلفه‌های تئوریک حکمرانی خوب می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: نظارت، تقنین، مجلس‌شورای‌اسلامی، حاکمیت قانون، جمهوری‌اسلامی‌ایران.

1. rdavoudi@yahoo.com
2. Bakhshayeshiahmad@gmail.com
3. a.arabian42@gmail.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

۱ ـ مقدمه

نظام نوبنیان و بدیع جمهوری اسلامی ایران که داعیه دار ایجاد حکومتی مبتنی بر موازین و آموزه‌های شرع مقدس اسلام است، از دیرباز کوشیده است تا با تأکید بر اصل ولایت فقیه، نظامی را پی ریزی کند که در آن حاکمیت و تشریع به خداوند اختصاص داده شود و همگان تسلیم اوامر ذات باری تعالی باشند. در کنار این اعتقادِ بنیادین که محتوای نظام جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهد ساختارهای مدرن حکومت و برخی نهادهای مدرن دولتی نیز ایجاد شده است تا از این طریق راه‌های دستیابی به اهداف مزبور تسهیل گردد. از جمله نهادهایِ مدرنِ مورد اشاره می‌توان به مجلس شورای اسلامی اشاره کرد که به سبب ارزش و جایگاه بی مثالش، بنیان گذار انقلاب اسلامی آنرا در رأس امور، و نمایندگانش را عصاره فضائل ملت خوانده‌اند. البته در این بین نکته قابل توجهی که خودنمایی می‌کند آن است که اولاً مراد از قوه مقننه بر خلاف تصور شایع، صرفاً مجلس قانون‌گذاری نیست، بلکه مجموعه دستگاه قانون‌گذاری و نهادهای تابعه را نیز شامل می‌گردد. به همین سبب است که در ادبیات حقوقی انگلستان عبارت «Parliament» با کاربردی جدا از مفاهیم «House Of Lord» یا «House Of Common» استعمال شده است. در نگاهی کلی Parliament یا «Legislature» ناظر به مفهوم قوه قانون گذاری هستند در حالیکه دو مفهوم بعدی صرفاً بخشی از بدنه آن قوه می‌باشند (جلالیان، ۱۳۹۶: ۲۷۳). ثانیاً خط کشی و تعیین میزان کارآمدیِ قوه مقننه مستلزم تبیین وضع مطلوب، شناسایی وضع موجود و تحلیل شکاف میان وضع مطلوب و موجود است (قلی پور و غلام پور آهنگر، ۱۳۸۹: ۳).

بی شک مجلس شورای اسلامی که به موجب اصل ۵۷ قانون اساسی، یکی از قوای سه گانه حاکم در جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود، رسالت‌های مهمی همچون قانون‌گذاری، تفسیر قوانین عادی و همچنین صلاحیت‌های نظارتی را احراز نموده است و از این طریق نقشی بی بدلیل و بارز را در حاکمیت صحیح قانون به خود اختصاص داده است. یقیناً با توجه به نقش تأثیرگذارِ مجلس شورای اسلامی، سرنوشت مسائل کشور در گِرو کیفیت و کارکرد این نهاد قانون گذار است. چنانچه در ادامه و به فراخور توضیح داده خواهد شد به راستی مجلس در رأس امور است و همین نکته ضرورت آسیب شناسی نقش تقنینی و نظارتی مجلس را روشن‌تر می‌کند. بر این مبنا، به نظر چنین می‌رسد که صِرف جایگاهی

فصلنامه علمی ـ پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

که مجلس در منظومه ساختار قدرت جمهوری اسلامی ایران دارد، کافی برای کارکرد مناسب مجلس نیست و انجام وظایف مطلوب در سطح اختیارات و وظایف، نیازمند تمهیداتی بوده است که به درستی تدارک نشده است و یا این وظایف به گونه‌ای است که می‌تواند در نهایت موجب چالش و یا کاهش کارکرد مطلوب شود. از این رو نگارندگان پژوهش پیش رو کوشیده‌اند تا در پرتو مفاهیم و معناها جایگاه تقنینی و نظارتی مجلس شورای اسلامی را در اجرای صحیح حاکمیت قانون مورد بررسی عالمانه قرار دهند. در گام نخست و پیش از تبیین چارچوب تئوریک پژوهش، به عنوان مدخلی بر بحث مهم‌ترین مفاهیم مرتبط با پژوهش را از نظر خواهیم گذراند.

۲-پیشینه تحقیق:

-امام جمعه زاده، شهرام نیا، صفریانی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «الگوی حکمرانی خوب؛ جامعه همکار و دولت کارآمد در مدیریت توسعه» به بررسی این مسئله می‌پردازد که الگوی حکمرانی خوب بر ساختار نظام اجتماعی چه تاثیری می‌گذارد؟ و دوم، این الگو با این سازماندهی اجتماعی بر مدیریت توسعه چگونه تأثیر گذار است؟ و رهیافت این مقاله این است که با استقرار شاخص‌های الگوی حکمرانی خوب و هم افزایی و شراکت بین بازیگران اصلی توسعه یعنی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی جامعه همکار و دولت کارآمد سازماندهی خواهد شد. از طرفی دیگر بین شاخص‌های الگوی حکمرانی خوب و توسعه همه‌جانبه ارتباط وجود دارد.

-اسدی، فقیهی (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای تحت عنوان «ارزیابی عملکرد مجالس شورای اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی مجلس سوم تا هشتم)»، به بررسی جایگاه مجلس شورای اسلامی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی و مقایسه این نظام با نظام‌های متداول ریاستی در مقطع زمانی ۱۳۹۰-۱۳۶۸ می‌باشد. در این تحقیق پنج متغیر ترکیب احزاب سیاسی، عملکرد تقنینی مجلس شورای اسلامی، استقلال مجلس در قانون گذاری، عملکرد نظارتی مجلس و رابطه مجلس با دیگر نهادهای حاکمیتی بررسی و با استفاده از داده‌های آرشیوی و با استراتژی تحقیق کیفی مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که از سال ۱۳۶۸ و به دنبال بازنگری در قانون اساسی، جایگاه و تأثیرگذاری مجلس

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

شورای اسلامی به عنوان یک قوه مستقل رو به تنزل نهاده و نظام سیاسی ایران به یک نظام ریاستی گرایش بیشتری داشته است

زمانی، محقر، سنایی (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی نقش سومین دوره مجلس شورای اسلامی در سیاست گذاری؛ مطالعه موردی: برنامه اول و گذار به دوره سازندگی (۷۱-۱۳٦۷)»، به بررسی نقش سومین دوره مجلس شورای اسلامی به عنوان یکی از نهادهای حکومتی دخیل در فرآیند سیاست گذاری و تصویب برنامه اول توسعه بررسی شده است. این تحقیق نشان می‌دهد در فرآیندگذار به سازندگی و سیاست گذاری‌های مربوط به آن مجلس کم اثر بوده و بیشتر نقش تبعی و تأییدکننده داشته است.

-هاشمی، قلیجانی (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان «عوامل هنجاری و ساختاری قانون گذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران» به عوامل هنجاری و ساختاری قانون گذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. تأثیر نظام قانون گذاری بدون بررسی عوامل هنجاری و ساختاری میسر نخواهد بود. مجلس در نظام جمهوری اسلامی ایران ازاهمیت ویژه و والایی برخوردار بوده و محور بسیاری از تصمیم گیری‌ها، قانون گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها است. یکی از شاخصه‌های توسعه‌ای حکومت‌ها، توسعه قانون‌گذاری است. در این راستا عملکرد هنجاری و ساختاری قانون گذاری خوب با شاخص‌هایی نظیر نظارت، مشارکت و انتخابات آزاد مردمی، حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت و پاسخ گویی، تفکیک قوا، آزادی و مردم سالاری، برابری - انصاف و کارایی و اثربخشی بررسی گردیده است. هم چنین سعی شده است تا اهمیت قانون گذاری خوب در نظام جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گیرد با ارایه تصویری از حکومت خوب و زمینه به وجود آوردن یک حکومت با عملکرد قانون گذاری مطلوب است.

نوآوری این تحقیق این است که برخلاف تحقیقات قبلی که هر کدام بخشی از تقنن، نظارت و حکمرانی خوب ررا مورد توجه قراردادند این تحقیق به بررسی نقش‌های تقنینی و نظارتی مجلس شورای اسلامی ونقش آن در الگوی حکمرانی خوب پرداخته است.

۳-روش تحقیق:

این نوشتار که داده‌های آن به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده، در صدد آن است که مبتنی بر یک روش توصیفی - تحلیلی به بررسی موضوع بپردازد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

۴ ـ تعریف مفاهیم

از جمله مفاهیمی که در رابطه با مقوله حاکمیت قانون و مجلس شورای اسلامی باید مدنظر واقع گردد، مفاهیمی همچون قانون، قانون گذاری و همچنین حاکمیت قانون می‌باشد:

الف) مفهوم قانون[1]: قانون مجموعه ضوابط عام و مدونی است که برای همگان به طور مساوی ایجاد حق و تکلیف کرده و متعاقباً حد و مرز اعمال تابعان قانون را مشخص می‌نماید و به تنظیم روابط افراد، گروه‌ها و جامعه می‌پردازد (هاشمی، ۱۳۹۳: ۳۰۹). بنابراین می‌توان گفت که به این جهت است که قانون بسیار اهمیت دارد و قانون به مثابه ضرورت اجتماعی، همه زندگی آدمی را در بر گرفته است و رفتار اجتماعی‌اش بدون شناخت الزام‌ها و بایدها و نبایدها امکان پذیر نیست و بر همین اساس، کوشش همگان بر آن است که آنرا بشناساند و دیگران را به رعایت آن تشویق کنند و از عواقب بی توجهی به آن بر حذر دارند؛ (داوری، ۱۳۹۲: ۳) زیرا که قانون و ضرورت آن برای ممانعت از هرج و مرج و برقراری نظم در جامعه، امری ضروری است. به همین دلیل بشر از دوران ابتدایی زندگی خود به قانون و الزامات آن گردن نهاده و سعی در اجتناب از مخالفت با آن را داشته است.

ب) مفهوم قانون گذاری[2]: به تحقیق مفهوم مزبور یک مفهوم تفسیربردار است. اما به واقع تقریباً در تمامی نظام‌های حقوقی جهان منبع نخستین و اصلی حقوق، مصوبات مرجع قانون گذاری سرزمین یا «قانون موضوعه» است. قانون موضوعه در انتهای یک فرآیند پیچیده قانون گذاری پا به عرصه وجود می‌گذارد. در قلب این فرآیند، «هیئت مقنن» قرار دارد که در حال حاضر در قلب پارلمان‌ها با مجالس ملی قانون گذاری جلوه گر می‌شود. به علاوه گفتنی است که می‌توان فرآیند یاد شده را عبارت دیگری برای «نظام قانون گذاری» دانست. نیک پیداست که نظام قانون گذاری عام‌تر از مفهوم هیأت مقنن یا مرجع قانون گذار است، بدین معنا که مفهوم دوم جزئی از مفهوم اول است. با این وصف، نظام قانون گذاری نه تنها منحصر به قوه مقننه نیست و در ارتباط وثیق با قوای مجریه و قضائیه قرار می‌گیرد؛ بلکه عمل قانون گذاری و آنچه به نام قانون از قوه مزبور بیرون می‌آید، متأثر و ناشی از باورها، طرز تلقی (ایستارها) و نهادهای سیاسی و اجتماعی است که در بستر تاریخ حیات فردی و اجتماعی یک ملت شکل گرفته‌اند (راسخ، ۱۳۸٤: ٤٨). بنابراین، می‌توان گفت که قانون گذاری دو

1. Law
2. Legislation

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

سطح کلی دارد: نخست سطح عام که در برگیرنده کل فرآیند یا نظام قانون گذاری است، دوم سطح خاص که فقط شامل هیأت مقنن یا مرجع قانون گذاری می‌شود.

پ) مفهوم حاکمیت قانون: حاکمیت قانون یک اصل حکومتی است که گرچه به طور گسترده‌ای استفاده می‌شود اما کماکان توافقی در مورد آن وجود ندارد. دبیر کل سازمان ملل متحد در گزارشی به شورای امنیت در سال ۲۰۰٤، اصل حاکمیت قانون را تعریف کرده که پایه‌ای برای شناخت شاخص‌های این اصل را فرآهم می‌کند: «اصل حاکمیت قانون، اصلی است که در آن همه افراد، مؤسسات و نهادهای عمومی و خصوصی از جمله دولت خود را، ملزم به پاسخگو بودن در مقابل قوانین عام، علنی شده و به اجرا گذاشته شده، می‌داند و همچنین رسیدگی به اجرای قانونی باید مستقل باشد و با هنجارهای بین المللی حقوق بشر و استانداردهای آن مطابقت داشته باشد» (Anonymous, 2011: 152). نکته‌ای که از این تعریف می‌توان برداشت کرد این است که اصل حاکمیت قانون هم به دولت قانونی (حکومت قانون بر شهروندان) و هم به دولت قانون مدار (قانونی بودن اِعمال مقامات و مؤسسات) توجه دارد و از طرفی دیگر چون آزادی شهروندان در محدود کردن قدرت مقامات و نهادهاست که قدرت را در دست دارند،

معمولاً دولت قانون مدار مترادف با اصل حاکمیت قانون در دولت در نظر گرفته می‌شود. شاخص‌های دیگری که برای مفهوم حاکمیت قانون بیان شده، این است که اولاً دولت به وسیله قانون قدرتش محدود می‌شود، ثانیاً قانون به راحتی قابل تغییر نباشد و ثالثاً اینکه قانون حکومت داشته باشد نه فرد (Brian, 2012: 239)

۵ ـ چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری مورد استفاده به مثابه پشتوانه نظری پژوهش حاضر بهره گیری از مؤلفه‌های حکمرانی خوب می‌باشد. با نگاهی اجمالی به پیشینه نظری حکمرانی خوب به وضوح می‌توان دریافت که این نظریه در حقیقت در مقام تبیین الگویی به منظور دستیابی به توسعه پایدار پا به عرصه وجود نهاده است. به بیان دقیق‌تر، این نظریه در ابتدا رویکردی اقتصادی داشته و هدف از آن توسعه اقتصادی بوده است؛ (می‌دری، ۱۳۸۳: ۲٦) تا جایی که در مقام تحلیل و بررسی در کنار دیدگاه دولتِ بزرگ یا تقویت و گسترش اقتصادیِ دولت و دولت

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

کوچک یا کاهش نقش دولت در عرصه اقتصاد مطرح گردید. نقش محوری در این نظریه با توانمندسازی دولت از طریق شایسته‌سالاری، تمرکززدایی، همکاری و نظارت نهادهای مدنی و استانداردسازی نظام‌های آماری، پولی و بودجه‌ای تحقق پیدا می‌کند (می‌دری، ۱۳۸۳: ۲۹). این در حالی است که می‌توان مبانی حقوقی این نظریه را در چگونگی دست یافتن به حکومتی عادلانه و مردم سالار جست و جو نمود (شاه آبادی و جامه بزرگی، ۱۳۹۲: ۲).

به بیان دقیق‌تر نظریه حکمرانی خوب با بیان شاخصه‌ها و معیارهایی به دنبال ترسیم راهی برای تحقق مفاهیم مردم سالاری و عدالت به عنوان مبانی حکومت در ادبیات معاصر است. بر این اساس نظریه حکمرانی خوب سبب شکل گیری دولت‌هایی شده که وظیفه و نقش اصلی آن در توسعه و تقویت نهادهای مردم سالار است. در حقیقت بر اساس مؤلفه‌های حکمرانی خوب، دولت باید مردم سالاری را در جامعه نهادینه سازد تا از این طریق افراد بتوانند در پرتو آن آزادانه به فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بپردازند؛ چرا که مدنظر قرار دادن مبانی همانند قرارداد اجتماعی، اعمال قدرت و کنترل، مسؤولیت ارائه خدمات عمومی و فرآهم سازی محیطی برای توسعه پایدار انسانی که از اصول حاکم بر نظریه حکمرانی خوب است به عنوان شاخصه‌هایی برای تشکیل حکومت مطلوب در اندیشه حقوق عمومیِ معاصر محسوب می‌شوند (نادری، ۱۳۹۰: ۸٤).

بنابراین، متأثر از مطالبی که از نظر گذشت می‌توان چنین اظهار داشت که مفهوم حکمرانیِ خوب ایده‌ای است که به دنبال ناکارآمدی ساز و کارهایِ پیشین توسعه مطرح شد. در واقع، این ایده به دنبال آن است که دولت‌ها و به طور کلی ساختار اداری و سیاسی را به‌سمتی هدایت کند که کمترین فساد و آسیب‌های درونی که معمولاً موجب تضعیف دستگاه‌های مدیریتی و سیاسی می‌شود، بروز کند. این ایده با سازوکارهایی همچون پاسخگوییِ بیشتر در بدنه دولت، قانون محوری، عدالت‌جویی، مشارکت‌جویی، کارایی، اثربخشی و... گرچه دیرزمانی نمی‌گذرد که به‌عنوان یک نگرش جدید مدیریتی مطرح شده است، اما تاکنون مباحث زیادی را پیرامون خود برانگیخته و اندیشمندان بسیاری را به تحقیق و اظهارنظر در این باره واداشته است (مرشدی‌زاد، ۱۳۹٦: ۱۲۵). به لحاظ تاریخی بانک جهانی در سال ۱۹۸۹ نخستین بار حکمرانی خوب را به عنوان ارائه خدمات عمومیِ کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداریِ پاسخگو تعریف کرد. به علاوه صندوق بین المللی پول نیز با نگاهی معطوف به توسعه،

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

حکمرانی خوب را به نتایجِ بهترِ توسعه تعریف کرده است. این سازمان در تعریف حکمرانی خوب، آن را شامل مکانیزم ها، فرآیندها و نهادهایی می‌داند که به واسطه آن نهادها، شهروندان و گروه‌ها منافع خود را دنبال می‌کنند؛ حقوق قانونی خود را اجرا می‌کنند؛ تعهداتشان را برآورده می‌کنند و تفاوتشان را تعدیل می‌کنند (شریف زاده و قلی پور، ۱۳۸۳: ۹۷).

به تحقیق حکمرانی خوب دارای شاخص‌هایی است که این شاخص‌ها در میان اندیشمندان مختلف به شکل‌های متفاوتی ارائه شده‌اند. در همین راستا «ویس» در مقاله خود با عنوان «حکمرانی خوب و حکمرانی جهانی»، و نیز دیگرانی مانند «تیلور» و «موبیوس» شاخص‌هایی برای حکمرانی خوب ارائه کرده‌اند. همچنین کمیسیون حقوقیِ سازمان ملل در قطعنامه ۲۰۰۰/٦ ویژگی‌های حکمرانی خوب را این گونه برشمرده است: شفافیت، مسئولیت، پاسخگویی، مشارکت، حاکمیت قانون و انعطاف پذیری. نکته قابل توجهی که در این بین خودنمایی می‌کند آن است که فصل مشترک تمام نظریات ارائه شده آن است که مشارکت جویی، اجماع گرایی، شفافیت، قانون گرایی، عدالت جویی، اثربخشی و کارآمدی و نیز توجه به درخواست‌های مردم، عمده‌ترین شاخص‌های حکمرانی خوب به شمار می‌آیند (مرشدی زاد، ۱۳۹٦: ۱۲۷).

علاوه بر موارد مزبور، در نگاهی کلی، و در یک دسته بندی نسبتاً دقیق که از سوی برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) مطرح شده است، حکمرانی خوب دارای شاخص‌های هشت گانه مشارکت، حاکمیتِ قانون، شفافیت، مسئولیت پذیری، اجماع سازی، عدالت و انصاف، کارایی و اثربخشی و در نهایت پاسخگویی معرفی شده است. از نظر ایشان حکمرانی خوب، تضمین کننده کاهش فساد و احترام به نظر اقلیت‌ها و اقشار آسیب پذیر در تصمیم گیری‌هاست. همچنین حکمرانی خوب، در قبال نیازهای کنونی و آینده جامعه مسئول است. بنابراین، حکمرانی خوب که یکی از اصطلاحات رایج در گفتمان سیاسی امروز دنیاست، اداره و تنظیم امور کشور و به کارگیری رابطه دولت و ملت بر اساس حق انتخاب مردم، حاکمیت قانون و وجود دستگاه قضایی مؤثر است (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۸: ۱۰۹). با توجه به اینکه شاخص‌های متعددی برای حکمرانی خوب تعریف شده است، می‌توان در نگاهی کلی مهمترین شاخص‌های این تئوری را در پنج بُعد دسته بندی کرد:

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
مشارکت	حق اظهارنظر، انتخابات آزاد و منصفانه، تکثرگرایی رسانه‌ها، اجماع، آزادی سیاسی.
پاسخگویی	پاسخگویی، مسئولیت پذیری، اعتماد، شفافیت، رفتار اخلاقی و صادقانه.
عدالت و برابری	کیفیت مقررات، حاکمیت قانون، توزیع عادلانه، انصاف، تساوی حقوقی، میزان تحمل تنوع.
توسعه انسانی	توانمندی جنسیتی، توسعه انسانی، کیفیت زندگی.
کارآیی و اثربخشی	کنترل فساد، اثربخشی دولت، کارایی قضایی، کارایی اداری، توانایی رقابت در محیط جهانی، ثبات سیاسی و فقدان آشوب.

جدول (۱) ـ گروه بندی شاخص‌های حکمرانی خوب (الوانی و علیزاده ثانی، ۱۳۸۶: ۸)

با توجه به مطالب ارائه شده می‌توان گفت که حکمرانی خوب گفتمانی جدید است که با مؤلفه‌هایی مانند قانونمندی، مشارکت، مسئولیت پذیری، پاسخگویی، شفافیت، اثربخشی و کارایی تعریف می‌شود و در سال‌های اخیر با توجه به دگردیسی‌های رخ نموده در اکثر جوامع، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. امروزه حکمرانی خوب یکی از الزامات و ضروریات کشورهایی به شمار می‌رود که داعیه دموکراتیک بودن را به یدک می‌کشند. در همین راستا مجلس شورای اسلامی به عنوان یکی از ارکان مهم نظام جمهوری اسلامی ایران که وظیفه خطیر قانون گذاری و نظارت بر اجرای قانون را بر عهده دارد باید با نگاهی واقع بینانه مؤلفه‌های تمدن ساز حکمرانی خوب را درک کرده و متعاقباً نسبت به اجرایی کردن آن تلاش حداکثریِ خود را به کار ببند. به طور کلی شش عنصرِ مشارکت و اجماع، حاکمیت قانون، عدالت و انصاف، شفافیت، کارایی و اثربخشی و همچنین پاسخگویی و مسئولیت پذیری مهمترین عناصر حکمرانی خوب هستند که هیچ گونه منافاتی با ارزش‌های اسلامی و نیز با قانون اساسی جمهوری اسلامی ندارند و در صورت اجرای درست و مؤثر می‌توانند تضمین کننده سلامت نظام سیاسی و مدیریتی نظام جمهوری اسلامی ایران باشند. با تأسی از پیش فرض‌های تئوریکی که مورد بحث قرار گرفت، در ادامه کوشش خواهد شد تا ضمن بررسی جایگاه نظارتی و تقنینی مجلس شورای اسلامی، کم و کیف پیاده سازی هر یک از وظایف مزبور را در راستای اجرای صحیح قانون مورد بررسی و ارزیابی قرارمی گیرد. بنابراین می‌توان گفت که مجلس شورای اسلامی به عنوان مردمی‌ترین قوه موجود در سیستم حاکم بر نظام جمهوری اسلامی ایران، بر اساس مفاد قانون اساسی که قانون مادر کشور است،

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

یکسری وظائف و کارویژه ها را احراز نموده است. از جمله مهم‌ترین ویژگی‌هایی که قوه مقننه می‌تواند از آنها در راستای اجرای صحیح حاکمیت قانون بهره جویی نماید، نقش‌های تقنینی و نظارتی است. از این رو در ادامه هر یک از کارویژه های مورد اشاره را در جهت اجرای صحیح حاکمیت قانون در این قوه تأثیرگذار از نظر خواهیم گذراند تا از این رهگذر کدهای لازم جهت دست یابی به نتایج منطقی احصا و تبیین گردند.

۶ ـ مجلس شورای اسلامی و قانون گذاریِ برخواسته از آن (اصل ۷۱ قانون اساسی)

امر قانون گذاری بی گمان یکی از تأثیرگذارترین امور عمومی است که ضربانِ حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور با آن تنظیم می‌شود. به واقع پویایی و توسعه جامعه تا حدود زیادی به نظام قانون گذاریِ مطلوب بستگی دارد و این نظام قانون گذاریِ مطلوب است که می‌تواند رشد و پیشرفت جامعه را تضمین کند. به همین دلیل برای پیشبرد بهتر امور عمومی و فرآهم ساختن زمینه حاکمیت قانون، ایجاد یک نظام قانون گذاری دقیق و مطلوب ضرورت دارد. در خصوص قانون گذاری باید اذعان داشت که بر اساس اصل ۷۱ قانون اساسی (مصوب همه پرسی ۱۳۵۸) مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند. بنا بر اصل ۷۱ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی دارای صلاحیتی عام در امر قانون گذاری است. ایفای این وظیفه نوعی نظارت حقوقی نسبت به حوزه اجرایی و سایر امور کشور می‌باشد. کارشناسی در خصوص طرح‌ها و لوایح توسط نمایندگان و جمع آوری اطلاعات لازم و تحلیل آنها توسط اشخاص کافی نیست و مجلس خود باید برای اِعمال چنین نظارت گسترده‌ای آمادگی داشته باشد تا نیازها را بررسی و بر اساس آنها به تجزیه و تحلیل طرح‌ها و لوایح بپردازد. لذا شناسایی خلاهای قانونی و نارسایی‌های ناشی از نقض قوانین نقش مؤثری در کارآمدی مجلس و حاکمیت هرچه صحیح‌تر قانون خواهد داشت (عمیدزنجانی و موسی زاده، ۱۳۸۹: ۱۲۹).

باید توجه داشت که دامنه قانون گذاری مجلس شورای اسلامی جز در اصول ۷۲ (عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی)، ۷۹ (حکومت نظامی)، ۸۱ (امتیاز تشکیل شرکت خارجی)، ۶۰ (اعمال و وظائف قوه مجریه)، ۶۱ (اعمال قوه قضاییه) و حوزه اختیارات رهبری تحدید نشده است. بنابراین و به طور کلی محدوده قانون گذاری مجلس شورای اسلامی شامل:

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

تصویب مالیات‌ها، تعیین حدود آزادی‌های عمومی، تعیین ضوابط مالکیت شخصی، تعیین جرائم و مجازات‌ها، تأسیس دادگاه‌ها، اعلان جنگ، تصویب عهدنامه‌ها، مقاوله نامه‌ها، قراردادها و موافقت نامه‌های بین المللی، دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری، صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات به اشخاص داخلی، انتقال اموالی که جزء نفایس ملی به شمار می‌رود به غیر، شرح و تفسیر قوانین عادی، تعیین وزیران و نظارت بر کار آنها، اجازه چاپ اسکناس و ضرب سکه و تصویب بودجه کل کشور (اصول ۲۲، ٤۲، ٤۷، ۵۱، ۵۲، ۵۳ و...) می‌باشد (حسینی، ۱۳۹٦: ۱۰۱).

از آنجایی که هدفمند بودن جوهره هر پژوهش علمی می‌باشد و اینکه از دیرباز تمرکز بر شیوه‌های بهبود قانون گذاری، مسئله مورد بحث و بررسی اصحاب اندیشه و قلم بوده است (چرا که قانون گذاری نیز مانند دیگر رویه‌ها و فرآیندها در جامعه نیازمند ارتقا و بهبود مستمر است) بر این مبناو بر اساس اسناد متقن و شواهد موجود باید اظهار داشت که سازوکار مجلس شورای اسلامی در امر قانون گذاری دارای یکسری خلأهای بنیادینی است که به نوبه خود مانع از تسری حاکمیت قانون در عرصه جامعه شده است. پیش از آغاز بحث ابتدا باید توجه داشت که در عرصه تقنین، مجموعه‌ای از اصول و موازین در طول تاریخ اندیشه ورزی راجع به قانون و قانون گذاری صورت بندی شده است. این اصول، سنجه‌ای برای قانون گذاری و طبعاً قانون «خوب» محسوب شده و ملاکی برای تمیز قانون گذاری «اصولی» از قانون گذاری «غیراصولی» شمرده می‌شوند. اصول قانون گذاری از نظر بسیاری از صاحب نظران، در پرتو حاکمیت قانون تبیین و صورت بندی شده است. این اصول به طور کلی متناظر با کیفیت قانونی است که باید در خدمت شهروندان و تأمین امنیت و تضمین حقوق آنها باشد. این اصول را «لون فولر» چنین صورت بندی کرده است: قانون عام باشد، قوانین باشد منتشر شده و یا به اطلاع افراد ذی نفع رسانده شوند؛ قوانین نباید عطف به ماسبق شوند؛ قوانین باید واضح و روشن باشند؛ قوانین نباید متناقض باشند؛ قوانین نباید امر غیر ممکن را مطالبه کنند؛ قوانین نباید به طور مکرر تغییر کنند و عمل مقامات رسمی باید با قانون انطباق داشته باشد (مرکزمالمیری و مهدی زاده، ۱۳۹٤: ۱۵۸).

به تحقیق، بررسی موارد تقنینی در مجلس شورای اسلامی حکایت از آن داردکه نظام قانون گذاریِ خوب در ایران بنا به دلایلی همچون: ۱) ضعف نظام حزبی؛ ۲) نبود ابزارهای

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

خود ـ محدودیتی در آیین نامه داخلی مجلس در مسیر ارائه طرح توسط نمایندگان؛ ۳) تولید قوانین با کمیت بالا و کیفیت پایین (تورم قانون/ قانون گذاری)؛ و ۳) ضعف کانال‌های ارتباطی قوه مجریه و نهادهای مدنی ـ تجاری دچار تضعیف شده است. نتیجه چنین شرایطی آن است که می‌توان به صراحت از آن تحت عنوان نظام طرح ـ بنیان یاد کرد. توضیح مطلب اینکه؛ در نظام قانون گذاری ایران، به رغم دلایل نظری و عملی در اولویت لایحه بر طرح، طی سالیان اخیر به واقع بنا به دلایل عمدتاً سیاسی به سمت نظام طرح ـ بنیان حرکت کرده است. همین امر به نوبه خود سبب تضعیف قانون گذاری خوب در ایران شده است. به عنوان نمونه، نمایندگان دوره نهم مجلس شورای اسلامی همانند نمایندگان دوره هشتم، پس از آنکه موفق نشدند دولت را برای ارائه لایحه‌ای در خصوص اصلاح نظام بانکداری قانع یا وادار کنند، چاره کار را در ابتکار قانون گذاری در این موضوع از طریق طرح دیدند؛ بدین ترتیب که «طرح عملیات بانکی بدون ربا» (تاریخ چاپ: ۱۳۹٤/۰۲/۲۳، شماره ثبت ٥٢٦) و سپس، «طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران» (تاریخ چاپ: ۱۳۹٥/۰٤/۰۷، شماره ثبت ١٦٥) در دوره نهم به مجلس ارائه شد. در واقع در این مورد قوه مقننه به جای آنکه با استفاده از ابزارهای نظارتیِ مؤثر، دولت را به ارائه لایحه الزام کند، خود در جایگاه تعریف شده برای دولت، به ارائه پیش نویس قانون اقدام کرد که بی تردید، فاقد امکانات و شرایط کافی برای تدوین آن است. همین شرایط به نوبه خود سبب شده است تا نظام قانون گذاریِ خوب در ایران با ضعف‌های بنیادینی روبرو باشد و نتواند کارویژه اصلی و اساسی خود را به خوبی به منصه ظهور بگذارد. البته ذکر این نکته ضروری است که مورد مزبور تنها نمونه‌ای از اشکالات وارده به نظام قانون گذاری است. از آنجایی که پرداختن به تمامی دلایل در اثر حاضر میسر نیست، از این رو ضروری می‌نماید که پژوهشی مستقل در این باب صورت پذیرد.

۷ ـ مجلس شورای اسلامی و مکانسیم های نظارتی آن

نظارت از حیث تبعیت از قوانین در نگاهی عام و کلی از جمله ضرورت‌های هر نظام حقوقی است و انتخاب مرجعی صالح و سازوکاری مناسب برای اعمال این نظارت، می‌تواند تضمینی برای تأمین اصل حاکمیت قانون و اصل سلسله مراتب قوانین باشد (درویشی و کاظم زاده نظری، ۱۳۹۷: ۲۰۷). از آنجایی که اصول و شاکله نظام جمهوری اسلامی ایران ملهم از قواعد

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

الهی و دینی است از این رو می‌توان چنین اظهار داشت که در نگاهی کلی و کلان در نظام اسلامی تکیه بر صفات حاکم از جمله عدالت، دور شدن از رذائل اخلاقی، اعتماد به معاد، باور داشتن به نظارت الهی، امانت دانستن حکومت و برخورداری از احساس مسئولیت در برابر مردم در قالب کلماتی همانند «خادم بودن» از جمله راه کارهای نظارتی است که در واقع هم نظارت درونی و هم نظارت بیرونی را شکل می‌دهد (راعی، ۱۳۹۱: ۱۷۳).

با این حال باید اذعان داشت که در عصر حاضر به دلیل پیشرفت و گسترش جوامع در جنبه‌های مختلف، اهمیت مسئله نظارت به خوبی هویدا شده است و در نظام‌های سیاسی امروز، نظارت امری ضروری و گریزناپذیر شده است؛ زیرا طی سالیان اخیر پدیده‌هایی همچون فساد و اختلاس و سوء استفاده در اکثر سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی سبب بروز نگرانی‌هایی شده است. به عبارتی دیگر، نظارت یک امر مهم و حیاتی در هر جامعه‌ای محسوب می‌شود، چنانکه اگر نظارت کامل و به شکل دقیق (بر اساس قوانین نظارتی) صورت نگیرد و یا نظارت در جامعه کمرنگ باشد و اهمیت چندانی به آن داده نشود آن جامعه به یک جامعه بیمار و نابسامان تبدیل می‌شود که این امر به نوبه خود تبعات زیان باری را در پی خواهد داشت. لذا می‌بایست توجه جدی به این مهم صورت گیرد. البته باید توجه داشت که نوع نظارت و نظام آن در کشورهای مختلف بسیار متفاوت است. بر اساس قوانین نظام جمهوری اسلامی ایران، مجلس ایران که منتخب مردم است بر رهبر نظارت دارد، رهبر نیز ضمن نظارت کلان بر سه قوه از جهت هماهنگی آنها نظارت دقیق‌تری بر قوه قضاییه، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت و سایر نهادهای تحت نظارت رهبری اعمال می‌نماید. در همین راستا مجلس شورای اسلامی از طریق قانون گذاری، رسیدگی به شکایات از طرز کار سه قوه در کمیسیون‌های اصل ۸۸ و ۹۰، رأی اعتماد به وزیران، تحقیق و تفحص در تمام امور کشور و حق سؤال و استیضاح نوعی نظارت بر قوای دیگر و سایر نهادهای موجود را اعمال می‌کند و ضمن آن از طریق دیوان محاسبات بر امور مالی سایر قوا و نهادها نظارت دارد. علاوه بر این، قوه مزبور دارای مکانیسم‌های نظارتی درونی نیز می‌باشد (علیخانی، ۱۳۸۳: ۱۵۹). پس از تبیین و تشریح نقش‌های نظارتی و تقنینیِ مجلس شورای اسلامی، در ادامه و به فراخور کوشش خواهد شد تا با تأسی از اسناد متقن و در جهت شفاف سازی جایگاه حاکمیت قانون در این قوه تأثیرگذار به بررسی ریشه‌ها و علل ضعف هر یک از موارد مزبور در پرتو مفاهیم و معناها بپردازیم.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

۸ ـ آسیب‌شناسی کارویژه‌هایِ تقنینی ونظارتیِ مجلس شورای اسلامی در مقوله اجرای صحیح حاکمیت قانون

خط‌کشی و تعیین میزان کارآمدی مجلس شورای اسلامی، مستلزم تبیین وضع مطلوب، شناسایی وضع موجود و تحلیل شکاف میان وضع مطلوب و موجود است (قلی پور و غلام پور آهنگر، ۱۳۸۹: ۳). با علم به جایگاه رفیع قوه مقننه (مجلس شورای اسلامی) در فضای پساانقلاب اسلامی در اجرای صحیح حاکمیت قانون، خواهیم کوشید تا در پرتو مفاهیم و معناها به کندوکاوِ چگونگی اجرایی کردن مقوله مزبور از جانب این نهاد مهم بپردازیم. در همین راستا می‌توان چنین اظهار داشت که اجرای صحیح حاکمیت قانون در مجلس شورای اسلامی مستلزم توجه به مقوله‌های عمده و قابل توجهی از قبیل فسادستیزی، گردش نخبگی (نخبه زدایی)، شایسته سالاری و شفاف سازی است. مواردی که نه تنها در قالب قوه مقننه مورد توجه قرار نگرفته‌اند، بلکه به واقع و بر اساس اسناد و شواهد متقن می‌توان گفت که در این خصوص کژکارکردی های بنیادینی وجود دارد که ثمره و نتیجه برخواسته از آن اجرای ناصحیح حاکمیت قانون است. در مقام تحلیل و نقد آسیب شناسانه مهم‌ترین موارد مرتبط با کارکرهای مزبور را می‌توان به قرار ذیل مورد اشاره قرار داد:

۸ـ ۱ ـ مقوله فساد و مباحث مرتبط با آن

«هانتینگتون» در همین خصوص معتقد است فساد زمانی اتفاق می افتد که فرصت‌های سیاسی کمیاب بوده و افراد از ثروت برای دستیابی به قدرت استفاده بنمایند و آنجا که فرصت‌های اقتصادی اندک باشد اگر قدرت سیاسی برای دستیابی به ثروت به کار رود فساد مالی رخ می‌نماید (مدنی اصفهانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۴۳). همچنین حکمرانی خوب مشکل فساد را مختص به نهادهای نامناسب می‌داند و معتقد است که با اصلاح نهادها و ساختارها و اِعمال شاخص‌هایی همچون شفافیت، مشارکت، حاکمیت قانون، پاسخگویی و مسئولیت پذیری، کارآمدی و اثربخشیِ دولت می‌توان بر مشکل فساد اداری غلبه کرد. در حکمرانی خوب این صرفاً دولت نیست که وظیفه اداره جامعه را بر عهده دارد بلکه نهادهای مدنی و بخش خصوصی نیز در این کار با دولت همکار و همراه هستند. به تعبیری حکمرانی خوب هنر مدیریت تعامل سه ساز و کار اصلی یعنی دولت، بازار و جامعه مدنی است (ملک

فصلنامه علمی ـ پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

محمدی و حق شناس، ۱۳۹۲: ۱٤۱). به طور کلی فساد دارای اقسام گوناگون و متنوعی است، اما مهمترین گونه‌های فساد شامل فساد مالی و اقتصادی، فساد سیاسی و فساد قانونی می‌باشد:

الف) فساد سیاسی

فساد سیاسی یعنی استفاده از قدرت سیاسی جهت تحقق اهداف شخصی و نامشروع (حسینی، ۱۳۸۰: ۳۹). اصولاً فساد سیاسی و قدرت همزاد یکدیگرند؛ یعنی تا زمانی که قدرتی وجود نداشته باشد از فساد سیاسی هم اثری نخواهد بود. همانگونه که «روسو» اعلام می‌دارد فساد سیاسی نتیجه حتمی کشمکش و تلاش بر سر کسب قدرت است (آجیلی، ۱۳۹٤: ۳۱). در همین رابطه «سوزان اکرمن» در کتاب خود تحت عنوان «فساد مالی؛ پژوهشی در اقتصادی سیاسی»، ما بین فساد اداری و سیاسی تفاوتی آشکار قائل است. ایشان چنین اظهار می‌دارند که رفتار فساد آمیز یا فعالیت‌های فسادآمیزی که در تهیه بودجه صورت می‌گیرد یعنی در مرحله تصمیم‌های سیاسی حاکم است، فساد سیاسی خوانده می‌شود. ایشان در ادامه ذکر می‌کنند که فساد اداری به رفتار فساد آمیز یا فعالیت‌های فساد آمیزی اطلاق می‌شود که در مرحله اجرای بودجه که در آن تصمیمات اداری و اقتصادی وجه غالب را دارد، انجام می‌پذیرد (مدنی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲٤۳). در نگاهی کلی عمده دلایل سیاسی پیدایش فساد را می‌توان در مواردی همچون: ۱) ساختار قدرت در کشور و چگونگی توزیع قدرت سیاسی؛ ۲) ثبات مدیریت در مقابل دگرگونی‌های سیاسی؛ ۳) چگونگی و میزان فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی؛ ٤) میزان نظارت و اختیارات نهادهای مدنی بر نهادهای قدرت و مدیریت‌های اجرایی؛ و ۵) درگیر شدن دستگاه قضایی در کارهای سیاسی و جناحی جست و جو کرد (دادگر، ۱۳۸۸: ۱۲٤).

ب) فساد قانونی

فساد قانونی یعنی وضع قوانین تبعیض آمیز به نفع سیاست مداران قدرتمند و طبقات مورد لطف دولت (حسینی و فرهادی نژاد، ۱۳۸۰: ۳۹). این نوع از رفتار که در اصطلاح به آن فساد قانونی اطلاق می‌شود این باور عمومی که فساد فقط شامل اعمالی می‌شود که مغایر با قانون باشد را رد می‌کند. برای مثال قوانینی که بدون هیچگونه توجیه اقتصادی یا اجتماعی انحصار خرید، فروش و یا تولید یک محصول را به یک فرد یا گروهی از افراد اختصاص می‌دهند، نمونه‌هایی از این نوع فساد است (آجیلی، ۱۳۹٤: ۳۱).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

پ) فساد مالی و اقتصادی

این شکل از فساد زاییده نظام سرمایه داریِ جهانی است. فساد مالی به عنوان یک پدیده جهانی آسیبی است از کنش متقابل دولت‌ها با زیرمجموعه‌ها یا دولت‌ها و بازار پدید می‌آید و به ویژه هنگامی که دولت خود نقش عرضه کننده خدمات همگانی و بازرگانی را داشته باشد این پدیده پررنگ‌تر می‌شود. فساد مالی از کوچک‌ترین موضوع که پرداخت غیرقانونی یک کارمند دولت است تا بالاترین رده‌های اقتصادی دولت‌ها را در بر می‌گیرد (دادگر، ۱۳۸۸: ۱۲۰). به طور کلی مهمترین عوامل پیدایش فساد اقتصادی شامل مواردی از قبیل: ۱) دخالت گسترده دولت در زمینه عرضه خدمات و کالاها؛ ۲) وجود انحصارات دولتی و غیردولتی (امکان رانت خواری اقتصادی)؛ ۳) مشکلات اقتصادی کارکنان و کارگزان حکومت؛ ٤) ناکارآمدی مقررات و آیین‌های مالی و رعایت نشدن تشریفات قانونی در داد و ستدهای دولتی؛ و ۵) میزان رقابتی بودن فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد (دادگر، ۱۳۸۸: ۱۲٤).

مقوله مزبور از جمله مهمترین مواردی است که باید در مطالعه حاکمیت قانون در مجلس شورای اسلامی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. در همین راستا ژرف‌ترین مسئله‌ای که بیش از سایر موارد خودنمایی می‌کند آن است که مزایای شخصی و دامنه اختیارات گسترده‌ای درید نمایندگان ملت قرار گرفته است که به نوبه خود تا حد زیادی موجبات فسادهای سازمان یافته را فرآهم کرده است. به واقع مجموع امتیازات، مزایا و امکاناتی که در اختیار نمایندگان قرار می‌گیرد منجر به آن می‌شود تا اغلب نمایندگان علاقه مند و پیگیر منافع شخصی و متعاقباً موفقیت در انتخابات دوره بعد باشند. متأسفانه برخی از مزایای اعتایی به ایشان ممکن است نماینده را دچار انحرافات اقتصادی کند؛ بطوریکه در راستای بیشینه سازی قدرت رو به تزاید خود منافع مادی و شخصی را در اولویت قرار دهند. در نگاهی آسیب شناسانه و با تحقیق، مطالعه و تجربه چندین ساله در عرصه قانون گذاری می‌توان توان بالا در اخذ امتیاز سیاسی یا اقتصادی از وزیر، تهدید به سؤال و استیضاح و یا فروش رأی خود در لوایح و استیضاح‌ها در مقابل دریافت منافع شخصی مانند موافقت نامه‌های اصولی، سهیم شدن در یک پروژه اقتصادی و یا برکناری یک مسئول در حوزه انتخابیه را از جمله مهمترین آفت‌هایی برشمرد که منبعث از سوءبرداشت وکلای ملت که از قدرت لجام گسیخته اعتایی به ایشان است منجر به ایجاد نوعی فساد سازمان یافته گردد. البته در راستای ممانعت ازسوء استفاده ایشان

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

(صاحبان زور و زر) در سال ۱۳۹٤ قانون نحوه رسیدگی به دارایی مقامات و کارگزاران کشور به تصویب رسید و در همین راستا قوه قضاییه به عنوان مجری این قانون مکلف به تدوین آیین نامه‌های اجرایی آن طی ٦ ماه شد، اما متأسفانه تاکنون (زمان نگارش اثر حاضر) هیچگونه اقدام مؤثر و سازنده‌ای در این خصوص انجام نشده است.

۸ ـ ۲ ـ شایسته سالاری و گردش نخبگی

در مقام تفهیم مفهوم مزبور می‌توان چنین اظهار داشت که نخبه گرایی و نخبه زدایی از جمله مواردی است که می‌تواند در اجرا یا عدم اجرای صحیح حاکمیت قانون در مجلس شورای اسلامی اثرات قابل توجهی را به جای بگذارد. در همین راستا و طی سالیان اخیر طرح کاهش دوره نمایندگی وکلای مردم به سه دوره متوالی و همچنین طرح استانی شدن انتخابات از جمله مواردی هستند که بر روند مذکور تأثیرات قابل توجهی را ایفا نموده‌اند. در همین رابطه طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی از ابتدای مجلس دهم مورد توجه نمایندگان بوده است و ایشان با توجه به لزوم انجام اصلاحات در راستای اجرای هرچه بهتر انتخابات پارلمانی، کوشیدند تا طرح مزبور را به نتیجه برسانند. هدف از این مصوبه بهبود کیفیت نمایندگی مجلس و ممانعت از بخشی نگری برای بُعد کلان و ملی نگریستن به موضوعات و معضلات کشور می‌باشد.

نکته قابل توجهی که در این بین خودنمایی می‌کند آن است که رویکرد ایشان در طرح منع به کارگیری بازنشستگان نهفته است. بنا به تصور پیشنهاد دهندگان طرح می‌توان با ردگیری مصوبه مزبور فضای لازم را برای ورود جوانان به نظام حاکمیتی و بدنه مجلس فرآهم کرد. به عبارتی نمایندگان پیشنهاد دهنده تصویب این مصوبه را راهی برای چرخش نخبگان و تزریق خون جدید به مجلس شورای اسلامی تلقی می‌کنند. اما نقطه مقابل طرح مزبور، پیشنهاد استانی شدن انتخابات است که اخیراً مورد تصویب شورای نگهبان نیز قرار گرفته است. به واقع اگر برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی استانی شود نه تنها گردش نخبگان و روحیه خودباوری ایشان از بین می‌رود بلکه شناخت رأی دهندگان نسبت به کاندیداها نیز به کم و کمتر می‌شود و در نتیجه لیست‌های تکراری سرنوشت مجلس را رقه خواهند زد. در چنین اتمسفری هیچ نخبه دانشگاهی و اجتماعی فرصت رقابت سازنده را پیدا نمی‌کند و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

در مقابل نمایندگان غیرکارآمد در قالب یک لیست در فضایی هیجانی و سیاسی به مجلس راه پیدا می‌کنند. این در حالی است که خود دست اندرکاران مجلس نسبت به ضرر و زیان مصوبه مزبور به خوبی اشراف اطلاعاتی لازم را دارند. به عنوان مثال مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در ۱۳۸۱ طی یک گزارش چنین اظهار داشت که مرکز باید پایگاه داده‌های ماتریسی (کمیسیون ـ تخصص) را تعریف کند. از نظر ایشان باید فهرستی از نخبگان علمی باتجربه و اطلاعات تفصیلی آنان در بانک اطلاعاتی شبکه نخبگان درج شود تا در مواقع لازم از تجربیاتشان برای ارزیابی طرح‌ها و لوایح بهره گیری شود (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۱: ۷).

شایسته سالاری نیز از جمله مباحث مهم دیگر در بحث حکمرانی صحیح در مجلس شورای اسلامی است. در پرتو مؤلفه مزبور دو مقوله مهم و راهبردی مهم می‌نماید: نخست، مدرک نمایندگان و رشته تحصیلی ایشان و دوم سیاست زدگی و تعقیب منافع فردی نمایندگان است. توضیح اینکه؛ تا دوره پنجم مجلس شورای اسلامی، شرط تحصیلی نامزدهای انتخاباتی حداقل «سواد خواندن و نوشتن» بود که در انتخابات مجلس ششم به «فوق دیپلم» تغییر یافت (البته نمایندگان دارای سابقه را شامل نمی‌شد). نکته قابل تأمل آن است که به واقع بررسی و اظهار نظر دقیق و علمی در مورد مسائل مهم کشوری (که بسیاری از آنها کاملاً تخصصی هستند) بسیار دشوار است و حتی ممکن است افراد دارای مدارک بالا نیز در حل و رفع مشکلات و مسائلی که به طور عمده در مجلس با آن سر و کار دارند، منجر به اظهارنظرهای شخصی و غیر کارشناسی گردد. به عنوان مثال در بررسی قانون چک که بسیار پیچیده است و با اندکی تغییر می‌تواند تعداد زیادی را روانه زندان و یا آزاد کند به جرأت می‌توان گفت به جز افراد حقوقدان در مجلس، کسی توان درک این قانون و اظهارنظر در مورد آن را نمی‌تواند داشته باشد. همین مشکل را در بررسی معاهدات بین المللی به خوبی می‌توان مشاهده کرد (آجیلی، ۱۳۸۳: ۳۱۳).

عدم توانایی نمایندگان در بررسی لوایح و مباحث تخصصی مجلس موجب می‌شود تا موضوع عدم شایستگی ایشان برای احراز پست نمایندگی بیش از پیش هویدا گردد. از این رو ایشان در در پی رد گیری اهداف حزبی خویش بر می‌آیند؛ توضیح مطلب اینکه، گرچه مجلس شورای اسلامی یک نهاد سیاسی به شمار می‌رود و بسیاری از مباحث، طرح‌ها و

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

لوایح مطرح شده در آن جنبه سیاسی دارد، اما این مسئله در مجلس به صورتی افراطی و بحران زا رخ نموده است؛ به طوریکه متأسفانه برخی مسائل سیاسی و جناحی اکثریت قریب به اتفاق استیضاح‌ها، رأی‌های اعتماد و تصویب اعتبار نامه‌ها را در بر گرفته است. به تعبیری دیگر اولویت و اصل «شایسته سالاری» کاملاً قربانی منافع آنی جناحی می‌شود. متأسفانه این مسئله در کمیسیون‌های مجلس که محل بررسی‌های کارشناسی است نیز نفوذ کرده و نوع مسائل مطرح شده در جلسات کمیسیون و تعداد جلسات بررسی این موضوعات را وابسته به مسائل سیاسی و جناحی نموده است. حتی این مطلب که یک لایحه یا رح قید فوریت داشته باشد یا اینکه چند فوریتی باشد بستگی به میزان توانایی این لایحه یا طرح در سرکوب جناح مخالف و پیروزی جناح خودی دارد. بدین ترتیب است که نه تنها شایسته سالاری بلکه مسائل معیشتی مردم، اقتصاد و فرهنگ جامعه اهمیت و فوریت لازم را پیدا نمی‌کند (آجیلی، ۱۳۸۳: ۳۱۵).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۸ ـ ۳ ـ شفاف سازی

شفافیت به معنای گرفتن تصمیم‌ها و اجرای آنها مطابق قوانین و مقررات است؛ همچنین به معنای دسترسی آزاد مردم به اطلاعاتی است که می‌تواند بر زندگی آنها تأثیرگذار باشد (حق پناه و ابوذری، ۱۳۹۱: ۳۹٤). بر اساس اصل ۹ قانون اساسی، حفاظت از آزادی، استقلال، وحدت ملی و تمامیت ارضی، وظیفه دولت و آحاد ملت بر شمرده می‌شود و این یک اصل تلقی شده است؛ به گونه‌ای که هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استقلال سیاسی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی، کمترین خدشته ای را به نظام وارد کند. هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۸: ۱۲۱). اصل شفافیت، نهادهای عمومی ـ جز در موارد نظامی و امنیتی ـ را ملزم می‌دارد که اطلاعات مربوط به عملکرد خود را در اختیار مردم بگذارند. طبیعی است انتشار اینگونه اطلاعات و قرار گرفتن آنها در معرض داوری افکار عمومی موجب می‌شود که این دستگاه‌ها نسبت به نحوه عملکرد خود دقت بیشتری بورزند و بی مبالاتی و فساد به کمترین حد خود برسد. تجربه نشان داده است که بیشترین میزان فساد، در نهادهای پَست و در بسته‌ای است که اطلاعاتی از آنها به بیرون نشت نمی‌کند.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

نظام جمهوری اسلامی باید حداکثر تلاش خود را در این مسیر قرار دهد و اینگونه نهادها را از نعمت شفافیت برخوردار سازد. تحقق شفافیت، از یک سو نیازمند فعالیت آزاد مطبوعات به عنوان رکن چهارم دموکراسی است؛ و از سوی دیگر، خلأهای قانوی در خصوص شفافیت باید با اراده مقامات ارشد نظام و با تدوین و تصویب طرح‌ها و لوایحی در این خصوص مرتفع شود. در حال حاضر بخش‌هایی ـ به ویژه اقتصادی ـ هستند که این شفافیت در آنها جریان ندارد. این ویژگی در مورد برخی بنیادها و سازمان‌های عمومی غیردولتی نیز صدق می‌کند. اگر قرار باشد شفافیت به عنوان یک عنصر حکمرانی خوب مؤثر واقع شود، باید تمامی این نهادها مشمول این اصل شوند و گزارش‌هایی دقیق از دریافت و پرداخت‌های این بخش‌ها در اختیار ناظران و افکار عمومی قرار گیرد (مرشدی زاد، ۱۳۹۶: ۱۳۵). در این زمینه چند مقوله مورد بحث قرار دارد که به واقع و با کنکاش‌های فراوان از میان موارد مزبور، مدت زمان واقعی دوره نمایندگی، مسائل رفتاری نمایندگان و هزینه‌های تبلیغاتی از مهمترین مؤلفه‌های مورد اشاره است. متأثر از مقدمه مزبور در ادامه و به فراخور کوشش خواهد شد تا هر یک از مؤلفه‌های مورد اشاره در پرتو مفاهیم و معناها مورد نقد عالمانه واقع گردد.

۸ ـ ۳ ـ ۱ ـ شفایت در مدت زمان واقعی دوره نمایندگی مجلس

آنچه که از قوانین موجود استنباط می‌گردد آن است که طول مدت هر دوره نمایندگی مجلس به ظاهر چهار سال است، اما به واقع و در مقام عمل شاهد مدت زمان به مراتب کمتری نسبت به زمان مورد اشاره هستیم. توضیح اینکه از زمان آغاز یک دوره مجلس حدوداً شش ماه صرف تصویب اعتبارنامه‌ها، تشکیل کمیسیون‌ها و آشنایی نمایندگان با یکدیگر می‌شود. از سوی دیگر سال پایانی مجلس را نمایندگان صرف فعالیت‌های انتخاباتی مانند مصاحبه و سخنرانی در حوزه انتخابیه خودشان برای فعالیت مجدد می‌کنند؛ لذا اکثریت قریب به اتفاق فعالیت‌های نمایندگان در سال آخر مجلس کاملاً منطقه‌ای است (آجیلی، ۱۳۸۳: ۳۱۱). علاوه بر این در تمام مدت دوره مجلس هر ۳ هفته یکبار به مدت یک هفته فعالیت نمایندگان به حوزه انتخابیه‌شان معطوف می‌گردد. در نتیجه می‌توان با خوش بینی مدت زمان واقعی هر دوره را ۲/۵ سال در نظر گرفت و نکته جالب آنجاست که در مدت زمان مزبور نیز برخی از نمایندگان با آیین نامه‌های داخلی و روند کار مجلس آشنایی چندانی پیدا نمی‌کنند.

فصلنامه علمی ـ پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

۸ ـ ۳ ـ ۲ ـ مشکلات ناظر بر مسائل رفتاری نمایندگان

مطابق اصل ۱۶۵ قانون اساسی، جلسات مجلس با حضور حداقل ۲/۳ کل نمایندگان رسمیت می‌یابد. از این رو قانونی که در این جلسات تصویب می‌شود منوط به حضور ۲/۳ نمایندگان در هنگام تصویب قانون است. علاوه بر این مطل که اکثرت قابل توجهی جلسات مجلس با حداقل ممکن ـ یعنی عددی بین ۱۸۰ تا ۲۰۰ نفر تشکیل می‌شود، متأسفانه بعضاً شاهد آن هستیم که برخی از نمایندگان پس از حضورشان در تابلوی حضور و غیاب مجلس بدون زدن کارت خروج از مجلس بیرون می‌روند (آجیلی، ۱۳۸۳: ۳۱۷). در نتیجه گاهی تعداد نمایندگان حاضر در صحن مجلس به ۱۵۰ نفر هم تقلیل می‌یابد اما تابلوی حضور و غیاب عددی غیر از تعداد واقعی را نشان می‌دهد. طبیعی است که مطابق روح قانون اساسی (اصل ۶۵) هر مطلبی که در این نوع جلسات تصویب شود خود به خود از درجه اعتبار ساقط است. که در ذیل مبحث هزینه‌های تبلیغاتی نامزدهای انتخاباتی مورد تحلیل قرار می‌گیرد

۸ ـ ۳ ـ ۳ ـ هزینه‌های بلیغاتی نامزدهای انتخاباتی

تبلیغات انتخاباتی یکی از مهمترین مراحل فرآیند انتخابات به شمار می‌رود که در سایه دیگر مراحل انتخابات گاه به دست فراموشی سپرده می‌شود، گاه دستمایه برخی گروه‌ها برای اعمال فشار بر گروهی دیگر می‌گردد و در نهایت برخی از مهمترین اصول حقوقی نظیر قانون مداری و حکومت قانون جای خود را به عرف‌هایی می‌دهد که تبلیغات را از مسیر صحیح خارج می‌سازد. در این بین باید توجه نمود که تبلیغات تنها ابزاری نیست که یک انتخابات منصفانه را تضمین می‌کند، اما به واقع مهمترین وسیله براینمایاندن دموکراسی در فرآیند انتخابات است (درتی، ۱۳۹۳: ۹۰). در همین راستا واقعیت امر آن است که در جمهوری اسلامی با وجود حساسیت‌های زیاد، نه تنها در قانون انتخابات مجلس بلکه در دیگر قوانین انتخاباتی نیز به هزینه‌های انتخاباتی اشاره نشده و این امر به کلی متروک مانده است. در پی این موضوع چگونگی اعمال هزینه‌های انتخاباتی و نقش بخش عمومی در این امر نیز مسکوت مانده است در حالی که در دیگر کشورها به این قبیل موضوعات توجه ویژه‌ای را مبذول داشته‌اند. برای مثال در ایالات متحده نامزدهای انتخاباتی در استفاده از کمک‌های مالیِ دولتی شرایط کاملاً یکسانی دارند (گلشن پژوه، ۱۳۸۸: ۵۷) این در حالی است که قوانین انتخاباتی کشور ما در این زمینه دارای خلاء است؛ به نحوی که نه تنها شرایط و ضوابط

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

هزینه‌های انتخاباتی از سوی نامزدهای انتخابات معیین نگردیده است بلکه به تبع آن در قسمت جرائم و مجازات‌های انتخاباتی نیز مجازاتی برای مخاطبان در نظر گرفته نشده است. با علم و آگاهی نسبت به موارد مزبور، و لزوم ایجاد شفافیت در رفتار و اقدام نمانیدگان و نامزدهای انتخاباتی مجلس، ضروری می‌نماید که شفافیت جهت گردش آزاد اطلاعات مورد توجه وکلای ملت قرار گیرد. بر اساس مطالعات صورت گرفته و تجربیات میدانی مجموعه قدامات ذیل در راستای بهبود کارایی مجلس در عرصه شفافیت در جهت ایفای حاکمیت صحیح قانون مورد توجه قرار گیرد.

با تأسی از موارد فوق و در جهت تبیینِ جمع بندی مفهوم مورد مداقه می‌توان چنین اظهار داشت که در جوامع کنونی و با توسعه روزافزون دموکراسی، اصل حاکمیت قانون یکی از اصول شناخته شده در عرصه حقوق و علوم سیاسی به شمار می‌رود که در سیستم‌ها و نظام‌های مختلف با ساختارهای گوناگون حداقل به لحاظ نظری پذیرفته شده و به درجات مختلف در آنها اعمال می‌شود. بر اساس اصل مزبور، قضا و دادگستری، قانون گذاری و همچنین حکومت و اداره حکومتی باید تابع قانونی باشند که قبلاً از سوی طرف مقنن وضع شده است و این همان اندیشه‌ای است که در حقوق عمومی به عنوان حاکمیت قانون مطرح است. در همین خصوص می‌توان چنین اظهار داشت که حاکمیت هر نظام سیاسی برای اعمال اقتدار خویش باید در بنیان جامعه نهادینه شود، برای نهادینه سازی، ساختارِ مطلوب از اهمیت بالایی برخوردار است. اگر ساختار سیاسی را یکی از مهمترین ارکان زیربناییِ اقتدار ارزیابی کنیم دور از واقعیت نیست؛ چرا که این ساختار است که قدرت را در چارچوب نهادهای سیاسی به تناسبِ تحولات، توزیع می‌کند و سازمان‌ها را متناسب با فعالیت‌ها و امور جاری عهده دار مسئولیت می‌نماید. بدین ترتیب نظام سیاسی و اقتدار آن معلول تنظیم و تلفیق ساختار نهادهاست که با رویکرد موزون در ارتباط با یکدیگر در نظام سیاسی اعمال و اجرا می‌گردند. در همین رابطه یکی از ساختارهای سیاسی مهم و مراکز اصلی تصمیم گیریِ کلان در نظام‌های سیاسی جهان که تبلور حاکمیت قانون است مجالس قانون گذاری هستند؛ محصول فعالیت مجالس مزبور، تصمیمات آنها، یعنی وضع قوانین و نظارت است که عموماً توسط قوای دیگر به اجرا گذاشته می‌شود.

در همین راستا و بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

یکی از مهمترین مراکز تصمیم گیری راهبردی و کلان است که دارای رسالت‌های مهمی همچون قانون گذاری، تفسیر قوانین عادی و نظارت‌های گوناگون بر اَعمال حکومت و نحوه اداره امور عمومی جامعه می‌باشد. در پی کاوش‌های آسیب شناسانه در ساختار مجلس شورای اسلامی، نیک مشخص گردید که این قوه اثرگذار دارای ضعف‌ها و محدودیت‌های قابل توجهی در عرصه‌های تقنین و قانون گذاری است. ضعف‌هایی که به فراخور کوشش شد تا در خلال اثر پیش رو احصا و ارائه گردند. در نگاهی کلی و با مطالعات صورت گرفته می‌توان چالش‌های حاکم بر مجلس شورای اسلامی را در دو بُعد تقنین و نظارت به قرار ذیل خلاصه کرد:

۱-در حوزه تقنین، قوه مقننه از ضعف‌ها و خلأهای قانونی از جنس تعدد و حجم قوانین (تورم قانون)، تضاد و تعارض، غیرشفاف بودن و ابهامات قانونی و همچنین دشواری درک قوانین برای ناظران و مجریان رنج می‌برد. عامل مهم دیگر مربوط به ضعف در نظارت برای اجرای صحیح قانون است. مسئولین دستگاه‌های نظارتی باید با جدیت تمام و با قاطعیت برخورد کنند و خود را درگیر باندبازی‌ها و ملاحظات سیاسی نکنند. مجلسی که در رأس امور است و می‌تواند در تمام مسائل دخالت کند باید به طور مستمر و دقیق روی دستگاه‌ها نظارت کند و وجود برخی کژکارکردی ها در امور کشوری به دلیل آن است که مجلس در بُعد نظارتی ضعیف عمل کرده است. نظارتی که صریح، دقیق و بدون مصلحت اندیشی باشد ضامن عملکرد سالم سازمان‌ها در چارچوب وظایف خود خواهد بود.

۲-همچنین اعطای اختیار عام قانون گذاری به مجلس از یک سو، وجود موانع شکلی و ماهوی از سوی دیگر، اراده قوه مقننه بر انجام این امر را تحدید می‌نماید و به گونه‌ای که در برخی از موارد، قوه مقننه این اختیار را به دولت یا کمیسیون‌های تخصصی تفویض نموده است. همچنین تغییر محتوایی در برخی از اصول قبل و بعد از بازنگری سال ۱۳۶۸ به طور بسیار شگرفی اختیارات رئیس جمهوری به عنوان مهمترین رکن دولت را از میان برده است. در واقع قانون اساسی پس از بازنگری، با انتقال قدرت از رئیس جمهوری به شخص رئیس مجلس شورای اسلامی که در واقع یکی از نمایندگان مجلس می‌باشد، مقام رئیس جمهوری را تا حد نماینده مجلس تقلیل داده است. بنابراین به نظر می‌رسد به منظور دستیابی به وحدت و یکپارچگی و استقلال واقعی قوا با حفظ توازن قدرت، بازنگری قانون اساسی بسیار راهشگا و مؤثر می‌باشد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

۳-علاوه بر موارد مزبرو یکی از ضعف‌های نظام قانون گذاری ایران در حوزه تقنین آن است که قانون گذار علاقه وافری به تقنین از طریق ارائه طرح نشان داده است. بررسی آمارهای وجود بیانگر این نکته است که نسبت طرح‌ها و لوایح در ادوار تقنینی، برتری محسوسی دارد. همین امر به نوبه خود نشانگر تضعیف اصول قانون گذاری خوب در کشور است. فارغ از دلایل تضعیف مستمر اصول قانون گذاری خوب در ایران، تداوم این روند آثار سوئی برای نظام قانون گذاری ایران به دنبال خواهد داشت. افزودن به حجم قوانین با ارائه حجم کثیری از طرح‌ها، نه تنها کمکی به اجبار دولت به انجام وظایف خود در چارچوب قانون نخواهد کرد، بلکه نظام حقوقی را بیش از پیش یا مضل تورم قوانین که همچنان تدوین و تنقیح نشده‌اند، مواجه خواهد ساخت. از این رو ضروری می‌نماید در ابتکار قانون گذاری، اصل بر ارائه لوایح از سوی دولت باشد و صرفاً در موارد خاص از طریق ارائه طرح به تقنین اقدام شود. بر این اساس پشنهاد می‌شود قانون آیین نامه داخلی مجلس با همکاری نهادهای پژوهشی دولت با محورهایی به این شرح اصلاح و تکمیل شود: نخست، الزام دولت به ضمیمه مقدمه توجیهی در هر لایحه مشتمل بر ارزیابی تأثیرات هر قانون حسب مورد؛ دوم، الزام دولت به تدوین شیوه نامه‌ای لازم الاجرا حاوی اصول شکلی تدوین هر لایحه، اعم از نکات نگارشی، ساختار و ماهوی.

٤-وجود برخی نارسایی‌ها و ابهامات در آیین نامه داخلی مجلس و سازوکارهای دورنی مجلس از جمله نظارت بر رفتار حرفه‌ای نمایندگان، یکی دیگر از چالش‌های قوه مقننه است.

بنابراین در جهت بهبود کارایی قوه مقننه ضروری است که یک نظام جامع نظارتی که اجزای مختلف سیستم‌های سیاسی و ادرای را به هم پیوند دهد طراحی گردد و همچنین اقداماتی از قبیل:

۵- ارتقای سطح آگاهی مردم در خصوص حقوق و وظایف مجریان در قالب ساز و کارهای نظارتی تعریف شده در قانون؛ ۲) تلاش برای ایجاد هماهنگی بین نهادهای متولیِ نظارتی برای جلوگیری از اختلاط احتمالی بین کارویژه ها؛ و ۳) تلاش برای توسعه قلمرو نظارت عمومی و نظارت مدنی به خصوص مطبوعات و سازمان‌هایی که در ارتباط با احقاق حقوق شهروندی فعالیت دارند، صورت پذیرد. در راستای دستیابی به شفافیت نیز پیشنهاد می‌شود که زیرساخت‌های نظام استقرار گردش اطلاعات در قالب دولت الکترونیک فرآهم گردد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

نتیجه گیری

جمهوری اسلامی ایران به دلیل مکتبی بودنش، شکل خاصی از اصل حاکمیت را ارائه کرده است و اصل حاکمیت قانون در آن به نحوی مطلوب تلاقی از جمهوری و اسلامیت است. در نظام قانون گذاری ایران نیز با تأکید قوه مؤسس بر «موازین اسلامی» و «عدم مغایرت با موازین اسلامی» علاوه بر محدودیت‌هایی که خود اصل حاکمیت قانون ایجاب می‌کند، محدودیت‌هایی از نوع مکتبی نیز در قانون اساسی وجود دارد که به سبب اسلامی بودن نظام، قانون گذاران نیز باید آن را مورد عنایت خویش قرار دهند؛ بدین ترتیب می‌شود حاکمیت قانون مطرح در کشور را حاکمیت اسلامی قوانین نامید و از این لحاظ به نظر می‌رسد هیچ مغایرتی بین اصل حاکمیت قانون و اسلامی بودن نظام وجود ندارد؛ زیرا اصل حاکمیت قانون بیانگر ممانعت از خودکامگی حکام به منظور تضمین حقوق مردم است و دین اسلام هم داعی مردم به خیر، نیکی اخلاق و احترام به حقوق متقابل افراد است تا از این رهگذر افراد به حقوق حقه خویش نائل گردند و بدین ترتیب اسلام و اصل حاکمیت قانون به خوبی به منصه ظهور نائل گردد. با تأثی از مطالبی که از نظر گذشت در راستای پاسخ به پرسش اصلی اثر حاضر کوشش شد تا مقوله اجرای حاکمیت صحیح از جانب مجلس شورای اسلامی مورد تدقیق و مداقه قرار گیرد. در همین راستا مشخص گردید که با وجود اطلاق واژه اسلامی بودن به مجلس نمایندگان اما به واقع در پاره‌ای مواقع اصل مزبور تحت الشعاع یکسری اقدامات نسنجیده قرار می‌گیرد. از این رو مقولاتی همچون شفافیت، نخبه گرایی/نخبه ستیزی، شایسته سالاری و فسادستیزی در راستای اجرای صحیح حاکمیت قانون در مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

منابع و مراجع

فارسی

-آجلی، مهدی (۱۳۹٤). «ارائه رویکرد ترکیبی برای تحلیل عوامل فراسازمانی مؤثر در بروز فساد اداری و مالی در سازمان‌های دولتی»، *پژوهش‌های مدیریت راهبردی*، سال بیستم، شماره ۵۸.

- امام جمعه زاده، سید جواد، شهرام نیا، امیر مسعود، صفری نیا، روح الله (۱۳۹۵)، الگوی حکمرانی خوب؛ جامعه همکار و دولت کارآمد در مدیریت توسعه، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، دوره ۱۲، شماره ۳٦.

-اسدی، فقیهی (۱۳۹۳)، «ارزیابی عملکرد مجالس شورای اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی مجلس سوم تا هشتم)»، *فصلنامه راهبرد*، سال بیست و سوم، شماره ۷۲.

-حسینی، خداداد؛ فرهادی نژاد، محسن (۱۳۸۰). «بررسی فساد اداری و روش‌های کنترل آن»، *فصلنامه مدرس*، دوره ۵، شماره ۱.

-حسینی، راحله السادات (۱۳۹٦). «نحوه نظارت حقوقی بر اعمال حکومت با بررسی کارکردهای قانون گذاری و نظاری اصول ۷۱، ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی»، *ماهنامه پژوهش ملل*، دوره دوم، شماره ۱۹.

-دادگر، یدالله (۱۳۹۳)، بررسی شاخص‌های فساد مالی در ایران و کشورهای برگزیده جهان»، *مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، سال بیست و سوم، شماره ۲٦٤.

-داوری، محسن (۱۳۹۲). «ماهیت قانون (تحولات مفهوم قانون)»، *مطالعات بنیادین حکومتی*، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

-درویشی، بابک؛ کاظم زاده نظری، فرشته (۱۳۹۷). «تحلیل حقوقی چالش‌های نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی بر مصوبات قوه مجریه»، *فصلنامه حقوق اداری*، سال ششم، شماره ۱۷.

-راسخ، محمد (۱۳۸٤). *«بنیاد نظری اصلاح نظام قانون گذاری»*، تهران، دفتار مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

-راعی، مسعود؛ عطریان، فرامرز (۱۳۹۱). «حاکمیت قانون و احکام حکومتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه حکومت اسلامی*، سال هفدهم، شماره ۱.

-مقال-زمانی، سمیه، محقر، احمد، سنایی، وحید (۱۳۹۰)، بررسی نقش سومین دوره مجلس شورای اسلامی در سیاست گذاری؛ مطالعه موردی: برنامه اول و گذار به دوره سازندگی (۷۱-۱۳٦۷)، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، شماره ٦. تابستان

-شاه آبادی، ابوالفضل؛ جامه بزرگی، آمنه (۱۳۹۲). «نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه»، *پژوهشنامه نهج البلاغه*، شماره ۲.

-شریف زاده، فتاح؛ قلی پور، رحمت الله (۱۳۸۳). «حکمرانی خوب و نقش دولت»، *فرهنگ مدیریت*، سال اول، شماره ٤.

-علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۳). «نظارت در نظام جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)*، شماره ۲۳.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

-قلی پور، رحمت الله؛ غلام پور آهنگر، ابراهیم (۱۳۸۹). *«فرآیند سیاست گذاری عمومی در ایران»*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
-گلشن پژوه، محمدرضا (۱۳۸۸). *«بررسی تطبیقی نظام‌های انتخاباتی»*، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر.
-مدنی اصفهانی، محبوبه؛ اسلامی، شیرین؛ باقری خیرآبادی، وحید؛ قاسم پورفرمی، رضا (۱۳۹۳). *«مفاهیم و رویکردهای فساد مالی و الگوی مبارزه با آن»*، سومین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی: نظریه اقتصاد اسلامی و عملکرد اقتصاد ایران.
-مرشدی زاد، علی (۱۳۹٦). «حکمرانی خوب و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی»، *دوفصلنامه آینده پژوهی ایران*، سال دوم، شماره ۳.
-مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۱). *«مأموریت‌ها، راهبردها و برنامه‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی»*، تهران.
-مالمیری، احمد؛ مهدی زاده، مهدی (۱۳۹٤). «قانون گذاری پراکنده در نظام تقنینی ایران»، *پژوهش حقوق عمومی*، سال هفدهم، شماره ٤٧.
-ملک محمدی، حمیدرضا؛ حق شناس، محمدجواد (۱۳۹۲). «سیاستگذاری مبارزه با فساد اداری در جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره چهل و سوم، شماره ۱.
-می‌دری، احمد (۱۳۸۳). *«حکمرانی خوب، بنیان توسعه»*، تهران، انتشارات مرکز پژوهش های مجلس.
-نادری، محمدمهدی (۱۳۹۰). «حکمرانی خوب، معرفی و نقد اجمالی»، *اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، شماره ۱.
-ناظمی اردکانی، محمد (۱۳۸۸). «حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی»، *نشریه علوم انسانی دانشگاه اما حسین (ع)*، شماره ٧٦.
-هاشمی، سید محمد، قلیجانی، ابولفضل (۱۳۹۱)، عوامل هنجاری و ساختاری قانون گذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل*، دوره ۵، شماره
-هاشمی، سید محمد (۱۳۹۳). *«حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»*، جلد اول، چاپ ۱۰، تهران، نشر میزان.

انگلیسی

-Audit A. M (2003). "Good governance & its Relationship to Democracy & Economic Development".
-Anonymous (2011). "The United Nations Rule of Law Indicators", First Edition, United Nations Publication.
-Brian. Z. Tamanaha (2012). "The History & Elements of The Ruleof Law", Singapore Journal Of Legal Studies.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

-Graham, John Amos (2011). "Bruce & Time Plumptre Principles for Good goverance in the 21 Centry", Policy Brief.

-Mobius, M (2012). "good governance is a global challenge", corporate Board.

-Singh, N (2014). "Decentralization & Legal Empowerment in Decentralizing governance", Emerging concepts & practices.

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید: DOI:۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۳۰۹

داودی، حمیدرضا؛ اردستانی، احمد بخشایش؛ عربیان، اصغر (۱۳۹۸)، «بررسی نقش‌های تقنینی و نظارتی مجلس شورای اسلامی ونقش آن در الگوی حکمرانی خوب»، *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۹، ش۳، پاییز ۹۸، صص ۲۳٤-۲۰۷.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]